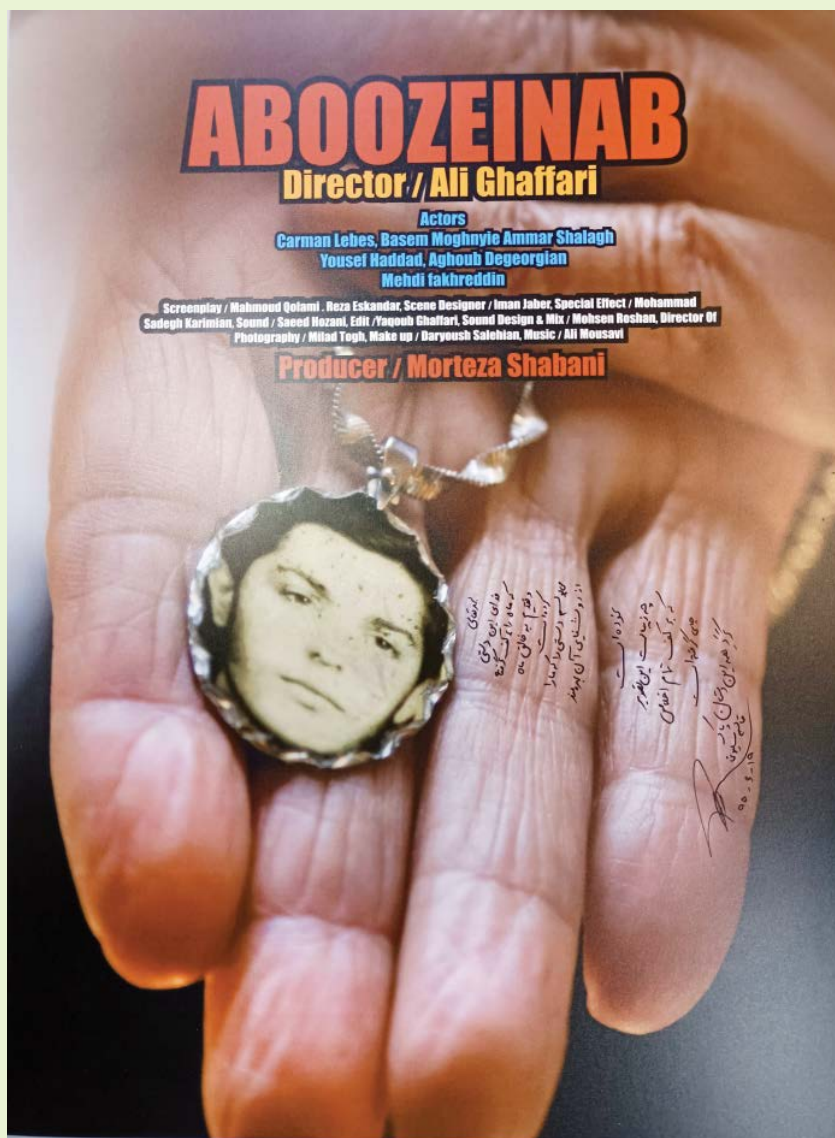


*** به خاطر پیشینه فعالیت شما در حوزه مستندسازی در مجموعه روایت فتح، آیا در دهه ۷۰ و ۸۰ با شهید سلیمانی برخوردی داشتید؟**

اولین دیدار من با حاج قاسم به سال ۷۳ برمی‌گردد. در واقع مجموعه‌ای را با عنوان غواصان، آقای فارسی کارگردانی می‌کردند که من هم به‌عنوان تصویربردار در این پروژه فعالیت داشتم. لشکر ۴۱ ثارا... به‌عنوان یکی از لشکرهای مهمی که در عملیات والفجر ۸ از روند عبور کرده بود، باید در این مستند کار می‌شد. با چند نفر از رزمندگان لشکر که مصاحبه شد، خیلی از سردار قاسم سلیمانی تعریف می‌کردند. یعنی قبل از دیدار با فرمانده لشکر ثارا...، انگار یک دوره حاج قاسم شناسی برای ما گذاشته بودند. همین مسأله باعث شد تا ما شیفته حاج قاسم بشویم، بدون این‌که او را دیده باشیم. آن روزها هم تازه چند سالی از پایان جنگ گذشته بود. توصیف فرماندهان شهید مانند باکری، خرازی، زین الدین، حاج همت و... را شنیده بودیم و حالا یک فرد از همان جنس را قرار بود از نزدیک ببینیم.

تاقبل از جلسه مصاحبه با ایشان، تصویری از حاج قاسم ندیده بودم و آنجا برای اولین بار دیدم. در زمان تصویربرداری هم خیلی حواس‌مان به این مسأله بود که به‌گونه‌ای تصویر بگیریم که طرف صورتی که ترکش خورده بود، دیده نشود. حاج قاسم برعکس خیلی از افراد دیگر بود که ممکن است در مصاحبه دو ساعت خاطره تعریف کنند فقط از آن دو ساعت، پنج یا ۱۰ دقیقه قابل استفاده باشد. حاجی برعکس، کاملاً گزیده، حضور ذهن دقیق و خاطراتی که خیلی صحیح و درست بود را برای من تعریف کرد. یادم هست یک خاطره راجع به شهادت یونس زنگی آبادی و عملیات کربلای ۵ برای من تعریف کرد. حاج قاسم می‌گفت: «در کربلای ۵ وضعیت خیلی خراب بود. اکثر نیروها مجروح و خیلی از افراد هم شهید شده بودند. دشمن هم سخت آتش می‌ریخت. یک‌دفعه دیدم که حاج یونس از پشت بی‌سیم به من گفت: «حاج قاسم می‌خوام پیام ببینم. می‌خوام پیام اونجا پیشم». حاجی بهش گفته بود: بیا. بعد تعریف می‌کرد که «خیلی هم اوضاع سخت بود و هر لحظه امکان داشت یونس شهید یا مجروح شود. به هر صورت یونس خودش را به من رساند. سرش را گذاشت روی زانوی من، چند دقیقه‌ای پیشم ماند و بعد هم رفت. من هم اصلاً برام سؤال نشد که چرا آمد و چرا رفت؟ چند دقیقه بعد هم خبر شهادت یونس را برابیم آوردند.»

حاج قاسم آن روز خاطراتی از این جنس برای من تعریف کرد. اما می‌خواهم به یک موضوع اشاره کنم. ما چند مصاحبه با ایشان داشتیم. یکی در مورد غواصان، یکی در مورد کربلای ۵ و یکی هم درباره تصویرگران جنگ بود. مثلاً در همین پروژه آخر، وقتی روی صندلی نشست،



ماجرای دیدار حاج قاسم با اهالی فرهنگ و هنر

گفت‌وگو با مرتضی شعبانی

سال ۶۵ بود که به گروه روایت فتح پیوست. زمانی که با سیدمرتضی آوینی به فکه رفته بود تا مستندی را تولید کنند، به‌عنوان تصویربردار فعالیت می‌کرد. همان‌جا بود که سیدمرتضی به شهادت رسید اما آقا مرتضی در روایت فتح ماند و مسیر را ادامه داد. دیدار دهه ۷۰ با حاج قاسم ثبت خاطرات زیبایی او از غواصان لشکر ثارا... و شهید احمد کاظمی از حمله تصاویر به یادماندنی همان دوران است. مرتضی شعبانی اکنون در قامت کارگردان و تهیه‌کننده مستند در جبهه مقاومت نامدار است.

دست‌نوشته شهید سلیمانی بر پوستر مستند «ابو زینب»